

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صباراهی

۲۰۱۱ می ۰۷

## یک عروسی، یک قتل و بقیه ماجرا...!

(در حاشیه روز جهانی کارگر)

اخیراً روزنامه گاردین انگلیس مقاله ای منتشر نمود مبنی بر پیشنهاد فروش برنامه های کمپیوتری توسط یک کمپنی انگلیسی به رژیم مصر جهت وارد شدن به کمپیوترهای مخالفان دولت و به کنترل در آوردن تمام ارتباطات کمپیوتری آنان، سانسور کردن وب سایت شان از طریق ایمیل آدرس آنها، به کنترل در آوردن ایمیل های یاهو، هات میل و جی میل و ...

کمپنی انگلیسی "گامای بین المللی" مجوز کسب دارد، تا در حالیکه امپریالیست فلدن امریکا و شرکایش در حال "مستقر کردن حقوق بشر جهانی" هستند، این کمپنی و امثال آن مثل زمینس المان به دولتها وسایل سرکوب و کنترل مخالفان سرمایه داری بفروشند، از چه سازمانی "بشری" مجوز کسب برای این شرکت صادر شده؟، تا برنامه 'fin spy' را به فروش رساند آنها تنها به دولتها. آیا این " مجوز" را کسی به جز دستگاه اینتلجنت سرویس انگلیس می تواند صادر کنند؟ سرویس اطلاعاتی که تنگاتنگ با سازمان سی آی ای امریکا مشغول به رد و بدل کردن اطلاعات هستند.

متأسفانه خلاف تصور که پیشرفت تکنولوژی به برخی جنبه ها کمک می کند، در حال حاضر شاهدیم که با قرار گرفتن تکنولوژی پیشرفته در دست طبقه ظالم و ستمگر و غارتگر مخرب و ضد آزادی های بشری هم از کار در می آید، همانطور که با استفاده از کشف انیشتن توسط کمپنی های جنایتکار نظامی امریکائی که منافع طبقه غارتگر را به پیش می برند ساختن بمب اتم ساختند و با استفاده از آن در جنگهای ظالمانه شان میلیونها شهروند غیرنظامی از طبقه کارگر و زحمتکش را قتل عام کردند.

### عروسی

در یک خانواده زحمتکش و یا فقیر و محروم اگر دو جوان به هم علاقه داشتند و یا حتی بر حسب رسم ارتجاعی به خواستگاری رفتند اولین سؤال در ذهن همه این است: آقا داماد چکاره ست؟ و اگر بیچاره بینوا هم که مثل خیل بیکاران کاری هم نداشته باشد که دیگر نگو و نپرس که چه تحقیرها و توهین ها که نمی شود و عروسی هم سر

نمیگیرد! از در و همسایه و زمین و آسمان به او ایراد گرفته می شود. اما در خانواده غارتگران دنیا این خبرها نیست!

از ماه ها قبل اکثر رسانه های انگلیسی و سایر کشورها برای "سرگرم" کردن افکار عمومی، و به ویژه افراد نادانی که هر چه در می آورند به جیب استثمارکنندگانشان می ریزند تا زندگی و شکل و شمایل خود را مطابق "مُد روز" سازند و آخرش هم با کلی قرض و سایر ناهنجاری های زندگی روبرو می شوند، خبر از عروسی "انگل سلطنتی" دادند!

هیچ کدام از "طرفداران نادان" این انگلها سوال نمی کند خب، آقای داماد چکاره اند؟ یا خانم عروس همینطور! همه اینها "شاهزاده" بودن را لابد به حساب شغل می گذارند. البته ظهور و تاریخ "شاهان" از همان زمانی شروع می شود که مراحل تاریخی معین تکامل تولید طبقات را به وجود آوردند و ابزار و انبارهای ذخیره تولیدات را در دست طبقه غارتگر قرار داد که این طبقه غارتگر برای مصون ماندن انبارهای ذخایر آذوقه از دستبرد طبقه زحمتکش نیاز به قلدرانی داشت که از انبار ذخایر (سود انباشته شده طبقه مرفه) پاسداری کند، در ابتداء به این قلدران باج و خراج بگیران می گفتند، رفته رفته که سیر تکامل تولید پیش رفت، این ها به خودشان لقب "نجباء و اشراف" دادند.. و با باج های کلانی که دریافت می کردند زندگی های مجلل لوکس برای خود فراهم آورده و دیگر لقب اشراف و نجباء (که در اصل نانجیب ترین قشر با رباکاریهای اخلاقی بودند) و اشراف هم برایشان کافی نبود، چون اینها بودند که "سود طبقه غارتگر" را تضمین و حفاظت می کردند پس تخت و تاجی هم برای خود قرار داده تا به این وسیله بند ناف "بقای انگلی" خود را با سرمایه داری برای همیشه محکم کنند!

شاهزادگانی که هیچ سهمی در تولید ندارند، اما باج گرفتن از طریق مالیات پرداختی باعث گردیده که زمین و هر آنچه در آن است را مایملک خود بدانند! شاهزادگان فسیل مغزهائی هستند که تنها مثل لاشه های گوشت برای به نمایش گذاشتن زندگی، و لباسهای مجلل شان جلوی دوربین های قرار می گیرند تا هم نادان ها را سرگرم کنند و هم آنها را در "رویا"ی یک زندگی مجلل و لوکس در لا به لای چرخ دندانه های کار له و لورده تر کنند تا هر چه در می آورند به جیب کمپنی های مد و وسایل لوکس و مجلل بریزند! رؤیائی که برخی ها متأسفانه به جای پی بردن به ریشه این اختلاف طبقاتی نه تنها زندگی و کانون خانواده خود را متلاشی می کنند بلکه جسم خود را نیز با قرض و قوله مطابق آن الگوهای مدرن درمی آورند تا بلکه "شاهزاده" ای پیدا شود... و بدین طریق خود را از بهره مند شدن از یک زندگی سالم و ساده اما مملو از عشق به یک دیگر و صفا و صداقت محروم می سازند..

از اصل قضیه دور نشویم که موضوع ازدواج این دو شاهزاده بود که دولت انگلیس موظف است زندگی آنها و سایر خاندان باج بگیر سلطنتی را از یکی از راه ها که آن پرداخت از مالیات زحمتکشان در انگلیس می باشد، تأمین کند. این هزینه هم رقم ناچیزی نیست، امسال دولت انگلیس موظف بود ۸ میلیارد پوند انگلیس هزینه دربار سلطنتی را تأمین کند!

کمپنی های با سودهای نجومی مثل تاپ من، ویرجین، ام اند اس، بوتس... هرگز مالیات خود را نمی پردازند. و در این مورد ماههاست که فعالان معمولی و نه صرفاً ضدسرمایه داری به عنوان اعتراض به بالا رفتن شهریه دانشگاه ها به فروشگاه های این غارتگران دزد می روند در آنجا تحصن می کنند و می خواهند که صاحبان این کمپنی ها مالیات شان را پرداخت کنند! آیا چنین شد؟ خیر! اما اگر یک زحمتکش مالیات شهرداری خانه حقیرش را پرداخت نکند نامه نگاری ها و دادگاه و پولیس مأمور دادگاه در تعقیب آن بیچاره هستند! و اسم این عمل در جامعه سرمایه داری برقراری "برابری" شهروندان در برابر اجرای "قانون" است!

در انگلیس مثل سایر کشورهای که دولت حامی غارتگرانش عرصه زندگی را بر کم درآمدها و فقیران روز به روز تنگ تر می کند پیشی بینی می شد که در روز جهانی کارگر، ده ها هزار معترض به برنامه تحمیلی "ریاضت اقتصادی دولت" به خیابانها سرازیر شوند! آیا چنین شد؟

حداقل برای آنها که امسال در انگلیس در راهپیمائی های روز اول ماه "می" شرکت داشتند تعجب برانگیز بود که آن نیم میلیون شرکت کننده که از سراسر انگلیس در اعتراضات ماه گذشته در لندن گرد آمده بودند امروز کجا هستند؟ که حداقل ۵۰ هزار نفر آن می بایست در راه پیمائی روز جهانی کارگر در لندن در کنار آن "حدود دو هزار" نفر باشند. در راه پیمائی که یک گروه سوسیال آنارشویست ضمن بر شمردن نکات زیادی از مبارزات اخیر، از جمله تشویق به مبارزه قهرآمیز و کارکردن در بین توده ها برای شرکت هر چه بیشتر در سازماندهی برای یک انقلاب و نه شرکت در راه پیمائی هائی که "سالن مُد" است را برشمرد!

آنها در حالی که پولیس هار انگلیس از زمین و آسمان کنترولشان می کرد اعلام کردند که در هفته گذشته در یک عملیات ضربتی و وحشیانه، پولیس حامی "ثروت غارتگران" بیش از ۱۵۰ تن از نیروهای آنها که در صف مقدم مبارزه سینه دشمن را می شکافتند و با دستهایی پرتوان سود سرمایه را به خطر می انداختند، خیابانهائی که مراکز "سود دهی" در آنها قرار دارد را مسدود می کردند، و نهادهای سرمایه داری را در سر راه خود بی نصیب نمی گذاشت دستگیر کرد، آنها اعلام داشتند که دیگر نباید منتظر بود تا بیش از این طبقه زحمتکش و فقیر توسط دزدان دسترنجشان مورد تهاجم قرار بگیرند، و فرزندان آنها فقیر از خودشان آینده را پیش رو داشته باشند به همین دلیل آنها در فکر سازماندهی اساسی نیرو برای به زیر کشیدن دولت انگلیس می باشند.

آنها با قوت تمام تأیید داشتند خیابانهائی که سرنگونی سیستم متعفن انگلیس را به نبرد فرا می خواند سالن مُد نخواهد بود، میدانهای نبردی خواهند بود که انقلاب را به خانه باز می گردانند. آنها به درستی به نقش پادوهای سرمایه داری، چه در اتحادیه های راست و چه احزاب دست راستی چپ نما که در تظاهرات های مختلف با پولیس "همکاری" می کنند، در منفعل نمودن طبقه کارگر انگلیس نیز اشاره داشتند و آنها را دلیل کمی تعداد شرکت کننده در راه پیمائی امروز روز جهانی کارگر در لندن دانستند.

یک ماه قبل دیوید کمرون نخست وزیر دولت ائتلافی انگلیس در یک خبر اعلام داشت که قصد "حذف روز جهانی کارگر" از تقویم انگلیس را دارد! چند اتحادیه هم که بر روی کاغذ بر دهان نخست وزیر کوبیدند. اما آیا این کوبیدن کاغذی کافی بود؟ یا اینکه آنها اهداف دیگری را در سر داشتند مانند به انحراف کشاندن تظاهرات نیم میلیونی از مسیری که می بایست طی می کرد و پرتاب آن به دامن حزب متقلب و جنایتکاری که اسم کارگر بر خود گذاشته است!

در انگلیس از آنجائیکه روز اول ماه می (روز جهانی کارگر) تعطیل نیست، و به جای آن دو روز بعد آن تعطیل است آنها به دلیل مزخرف که برای "تعطیلی و استراحت" آنرا به دو روز بعد در تقویم منتقل کردند که دوشنبه باشد. به هررو، امسال روز جهانی کارگر به یکشنبه افتاد، روزی که تعطیلی عمومی ست، اما با برنامه ریزی "مشاوران سلطنتی" روز جمعه قبل از یکشنبه "مراسم جشن دو انگل" تنظیم شد. که این تعطیلی سبب گردید آنهائی که دستشان به دهانشان می رسید به فکر "تفریح" باشند و به مسافرت بروند. اما همه که دست شان به دهانشان نمی رسد، برخی از آنهائی که در انگلیس مانده بودند، به غیر آنهائی که همیشه بهانه ای برای "ترفتن" در راه پیمائی ها یا اعتراضات دارند، عده دیگر که مالیات های پرداختی آنان نیز صرف هزینه عروسی این دو انگل می شد، آیا حتی دست شان به عقلشان نمی رسید که در روز جهانی کارگر "هدیه" ای به این دو انگل سلطنتی بدهند؟ در راه پیمائی

شرکت کنند و حداقل صفوف خود را به نمایش گذارند؟ اینها کجا بودند؟ که در راه پیمائی امسال فقط چند هزار نفر، آنهم بیشتر سازمانها و احزاب و فعالان ضدسرمایه داری، شرکت داشت؟

### عروسی ادامه دار...

جمع عروسی دو انگل بود اما "سرگرمی" های عروسی همچنان ادامه دارد... یکشنبه است در راه برگشتن از راهپیمائی روز اول ماه می، در حالیکه تمام راه این مسأله - عدم شرکت و حضور کارگران و زحمتکشانشان در راه پیمائی روز اول ماه می ذهنم را مشغول کرده - به نزدیک در ایستگاه مترو رسیدم که دیدم پولیس ها دو دیوار درست کرده اند به اندازه یک کیلومتر یک دیوار از گوشت خودشان و دیگری دیوار نرده های حفاظتی فلزی. برای یک لحظه فکر کردم که اینجا راه پیمائی اول ماه می است و نه آن جایی که همیشه بود. و صف بیشماری در مسیری که پولیس به وجود آورده بود، به طرف ایستگاه مترو روان بود و کسانی که با ایستگاه پنج شش متر بیشتر فاصله نداشتند طبق "فرمان" پولیس می بایست که یک کیلومتر را می پیمودند تا به صف طولی که در حال حرکت بود می رسیدند و همان راه را دوباره برمی گشتند تا به در ایستگاه مترو می رسیدند، از جمعیت پرسیدم شما صف "روز جهانی کارگر" هستید؟ برخی ها سرخ شدند و سرشان را پائین انداختند، گفتم نگران نباشید "آینده ای روشن در انتظار است، سوخت از لیبی می رسد و سایر مواد نیز از جاهای دیگر... کارگران ارزان مهاجر هم دم دست..!" سکوت قبرستان بود در بین این صف طولی! وقتی که وارد ایستگاه می شدی گروه نوازنده بسیار جوان همراه با یک خواننده که همگی خود را به شکل "فرشته" های بالدار "الهی" در آورده بودند مشغول خالی کردن جیب همین "صفی" بود که "دربار سلطنتی هم جیبش را هر روز" از طریق دولتش داشت خالی می کرد!

"فرشتگان بالدار الهی" مثل مگسهای سمج وز وز می کردند تا برای کودکان معلول و ... پول جمع شود، واقعاً که چه "بالداران" بشردوستی و البته "فهمیده ای"! زنی مُسن هم سطلی بزرگ را مدام جلوی چشم رهگذران تکان می داد تا در آن پول ریخته شود. جلو رفتم در گوش زن که سطل گدائی را در دست داشت گفتم، اون چهار میلیون پوندی که خرج "عروسی اون دو انگل" شد باید می رفت توی این سطل که هزینه کودکان معلول و درمان کم درآمدها و غیر تأمین شود نه اینکه شما باز هم بخواهی از جیب زحمتکشانش پول بیرون بکشی، درسته؟ با وقاحتی که مخصوص "فرهنگ متعفن بورژوازی انگلیس" ست در حالیکه سطلش را تکان می داد گفت: بله بله بله... درست می گوئی... گفتم اگر درست می گویم بساطت را جمع کن... و برو از حلق آن دوتا پول را بیرون بکش، وبعد هم در جمعیت گم شدم.

اما آن صف طولی صف چه بود؟ از کجا می آمد و به کجا می رفت؟ آن صف طولی و بهعکس همیشه بسیار منظم، صف زحمتکشانی بود که از مسابقه فوتبال بر می گشتند و می رفتند که در آبجو خوری ها برنده شدن تیم فوتبال مورد علاقه شان را جشن بگیرند... و باجه های کنترل تکت نیز به عکس همیشه باز بود و کسی تکت "مطالبه" نمی کرد... در حالیکه وقتی به راه پیمائی می رفتم... قضیه در ایستگاه مترو به عکس بود... در اتوبوس زنی که با کیسه های خرید از فروشگاه های لباس سوار شده بود چشمانش از شادی برق می زد، می گفت "ده پوند" کارت مجانی خرید به خاطر "عروسی شاهزاده" دریافت کردم! گفتم مجانی به شما دادند؟ یا اینکه می بایست خرید "با مبلغ معینی" داشته باشی تا این "کارت شاهزاده ای" به شما اعطاء شود؟ گفت، نه.. مجانی نبود ۵۰ پوند خرید کردم. گفتم اگر مجانی نبود که دیگر شادی ندارد.. کلی از جیب شما در آورده اند، این کمپنی های "مدروز" هم

حامیان همین شاهزاده ها هستند، مجانی به کسی در این دنیا چیزی داده نمی شود.. به این وسیله می خواهند "حامی" جمع کنند...

آیا این عروسی در انگلیس با استقبال انبوه جمعیت روبرو بود؟ خیر! اگر بود که دوربینهای خبری لنزهای دوربین شان را از روی آنها برنمی داشتند، نمونه بارز آن هم در محلات لندن بود، در هر محله به ندرت دیده می شد که طرفدار سلطنتی پرچم انگلیس را پرچمی که مزین به عکس "شاهزاده" بود را بر در خانه شان آویزان کرده باشند، در مناطق محروم که حتی از "جشنهای خیابانی" و پرچم هم خبری نبود.. سکوت مطلق بود.. سکوتی که بی شک به آتش زیر خاکستر نهفته را مانند است.. همه این اختلاف طبقاتی را با پوست و گوشت خود لمس کردند... چه موقع خشمشان شعله ور می شود...؟

در هفته گذشته چندین پناهگاه (جائی که برخی ها بنا به دلایل مختلف از جمله بی پولی که جائی برای زندگی ندارند، و محلی، منزلی، انباری... را به اشغال خود در آورده و برای مدتی در آنجا زندگی می کنند) و چند منزل مورد یورش وحشیانه پولیس هار انگلیس قرار گرفت، و این تنها حمله پولیس "آماده باش" برای مراسم عروسی دو انگل سلطنتی نبود، پولیس به تئاترهای خیابانی که فقط "تئاتر" بود و بمب و تنفگ نداشت، از محل عروسی دو انگل سلطنتی بسیار دور بود، نیز حمله برد و هنرپیشگان این تئاترهای خیابانی که اکثراً بازنشسته بودند را دستگیر کرد. فلم دستگیری ها در زیر این نوشته قرار می گیرد که توصیه می شود برای مشاهده "دموکراسی اروپائی" حتماً آنرا ببینید!

## قتل!

امپریالیستها: "مدتی عروسی برایتان راه انداختیم زیادی شاد شدید دوباره برگردیم به "جنگ با تروریسم" ی که دست پخت خودمان است و خودمان مسلحش کردیم و تن نادان ها را بلرزانیم تا شیره جانشان را از طریق کار با دستمزدهای ناچیز بمکیم تا لاشه خود را پروارتر کنیم!"

"سی آی ای" این سازمان امنیتی و اطلاعاتی امریکا که یکی از مخوف ترین و جنایتکارترین سازمانهاست که به جز شناسائی، تعقیب و سر به نیست کردن مخالفان سرمایه داری، در قاچاق مواد مخدر، حمل و نقل آن توسط کامیونهای سازمان ملل (همان سازمانی که خیلی ها به آن دخیل می بندند که البته کورشان می کند و شفایشان نمی دهد) نفوذ در بین جنبش های مقاومت، خرید مزدوران از همه رقم به خصوص "وطن پرست"، و دایر کردن سازمانهای اطلاعاتی چون ساواک آدم کُش برای برگرداندن "شاه" می باشد. آنانی که در "رئای اعدام و کشتن جنایتکاران" نوشته پشت نوشته می نویسند، آنانی که بنا به دلایل مدروز "انسانی" دلرحم هستند و از مجازات جنایتکارانی که شیره جان محرومان را نه تنها می مکند بلکه مخالفان این زورگوئی، ظلم و غارتگری را هم می گیرند و شکنجه می کنند و میکُشد را "غیر انسانی" می دانند در مقابل "قتل های دولتی" امپریالیستها سکوت می کنند!

البته این عده که برخی هایشان هم اسم کارگر و کمونیسم را یدک می کشند نه تنها از حمله ارتش وحشی اربابان خمینی به عراق و افغانستان به بهانه های "فرهنگی و انسان دوستی" حمایت کردند بلکه اخیراً هم با بی شرمی تمام از حمله امریکا و متحدینش به لیبیا نیز با همان بهانه ها(مقابله با اسلام سیاسی) دفاع می کنند! قاعده این چاکران درگاه سرمایه داری که منتظر صندلی خدمت در کنار گنجی های جنایتکار هستند پشت اسم "کمونیسم" هر مزخرفی را سر هم کرده و برای نادانهائی چون خودشان قرقره می کنند تا کسی از مبارزه قهرآمیز و یا مجازات جنایتکاران

واقعی که پرورش دهنده بن لادن ها ، خمینی ها، شاه و ساواک آدم گُشی، طالبان، سازگارها، گنجی ها و این لیست ادامه دار... هستند، حرفی به میان نیاورد!

هیچ کدام از اینها از سیاست های "اوباما" که ادامه همان سیاست های جرج بوش پدر و پسر جنایتکار و در اصل ادامه سیاست های سیستم سرمایه داری خون آشام امریکا می باشد انتقادی نمی کند، از اینکه این جنایتکار از کشتن "بن لادن" ابزار خوشحالی می کند چیزی نمی گویند! و از همه بدتر از اینکه "اوباما" بر گردن "سی آی ای" که یکی از منقورترین سازمانهای اطلاعاتی دنیاست مدال افتخار می اندازد چیزی نمی گوید! مدالی که "سی آی ای" را که از فرط جنایتکاری در حق آزادیخواهان واقعی کشورهای مختلف و افشای جنایات و ظلم هایش خود را در پشت اسم "خانه دموکراسی امریکا" قائم کرده بود، به بیرون می کشاند، تا "اوباما" دودوز باز مکار مدال را برگردنش آویزان کند! و البته طبق معمول احمق هائی هم که به نام "آزادی وطن، یا آزادت می کنیم ای وطن.." عربده می کشند، هوراکشان "اوباما" و "سی آی ای" او خواهند بود! همان هائی که تا یک کمونیست حرف از مجازات جنایتکاران واقعی که خون زحمتکشان را در شیشه می کنند به میان می آورد را با فحاشی های "درباری" و "اسلامی" بمباران می کنند و وای "بشر وای بشر" راه می اندازند و عده ای هم در لباس چپ با "سکوت" شان میدان را برای تاخت و تاز این اوباش باز می گذارند!

قانون امریکا درآوردی "جنگ با تروریسم" این زورمداری را به وجود آورده که به امریکا اجازه حمله های نظامی که از سال ۲۰۰۱ تا به حال بیش از یک میلیون شهروند غیرنظامی را کشتار کند، را داده است. امریکا بد نامی تاریخی برای آموزش و مسلح کردن تروریست دارد. به طور مثال در سالهای ۱۹۸۰ مجاهدین افغانستان را مسلح می کند تا علیه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی بجنگند. پس از مدت زمانی مجاهدین اکنون آموزشها و سلاح های امریکائی را علیه امریکا به کار می برند و امریکا مردم دنیا را از این "تروریست" ها می ترساند. مابین این عده کسی بود که از امریکا حمایت می کرد و آن اسامه بن لادن بود، کسی که گروه القاعده را تشکیل داد.

اوباما پشت میکروفون قرار می گیرد و قتل بن لادن توسط "سی آی ای" را با افتخار و با شادی اعلام می کند. و اعلام می دارد که عکس به قتل رسیده بن لادن به زودی در اختیار عموم قرار می گیرد. به دلیل ریسکی بودن "امنیت ملی" اوباما دستور "مسدودکردن" منابعی که می خواستند "عکس مقتول" را در معرض دید عموم قرار دهند، را صادر می کند. روزنامه گاردین انگلیس اما عکسهائی از این "مقتولین" درج می کند! ظاهراً همه "منابع" را "اوباما" قادر نشده ببیند!

دورغ و مکاری "اوباما"! اما امروز همین فرد، اوباما، به دلیل فشارانقتادهائی که از او می شود، از طریق سخنگوی کاخ سفید اعلام می دارد که "لازم نیست" عکس افشاء شود زیرا که "جسد" به دلیل عقاید مسلمانان بیش از ۲۴ ساعت نمی تواند نگهداری شود و دفن گردیده. این در حالی ست که وقتی پسر صدام حسین را "سی آی ای" کشت جسد او را ۱۱ روز نگهداشت. رئیس اجرائی "سی آی ای" ، لئون پانه تا، حیوانی که اوباما قرار بود "مدال" را بر گردن او آویزان کند، گفته بود که تا ۲۴ ساعت دیگر عکسی از جسد بن لادن در اختیار عموم قرار می دهد. سخنگویان مختلف دولت امریکا که در پروژه "قتل بن لادن" همکاری داشتند خبرهای ضد و نقیضی ارائه دادند که تمامی در اصل ماهیت اصلی دولت امپریالیسم امریکای خون آشام را برجسته تر می کند. خمینی منفور و جلاد را هم به لیست اضافه کنید که وقتی به درک واصل شد سه روز آنرا در آکواریوم گذاشتند تا "بهره برداری" های بیشتر به پیش رود!

اما جالب است جمله ای از، حیوانی به نام لئون پانه تا، رئیس اجرائی سی آی ای تا بدانیم، او پس از اعلام کشته شدن بن لادن در یک آپارتمان در پاکستان در یک عملیات ویژه (U.S. Navy SEALs) و بودن یک زن که هویت آن شناسائی نشده و سه مرد دیگر که یکی از آنها پسر بن لادن بوده به خبرنگار تلویزیون ان بی سی چنین می گوید: "اصل ماجرا این است که، شما می دانید، ما بن لادن را گرفتیم و من فکر می کنم ما ناچاریم که به بقیه دنیا بباورانیم که در حقیقت این ما بودیم که توانستیم او را بگیریم و بکشیم."

### قتل ادامه دار...

امپریالیسم امریکا با به میدان آوردن علنی سی آی ای در صدد سرکوب آشکار مخالفان سرمایه داری در جاهای مختلف است مأموریتی که "سیا" در پشت پرده در حال انجام آن بود.. چطور بن لادن "دستگیر" شد را هرگز نمی گویند؟ چرا که "مسایل امنیتی" شان به خطر می افتد!

عروسی و قتل ظاهراً به پایان رسید، اگر چه تا مدتهای مدید دیدن چهره های آنها را به ما تحمیل می کنند، اما "جنگ با تروریسم" که عده ای نادان هم آنرا از صبح تا شام نشخوار می کنند ادامه دارد با این بهانه در اصل امپریالیسم امریکای خون آشام می خواهد هر چه آزادی بشری ست را سلب نماید و در پناه کنترل کردن بشریت توسط سی آی ای و کمپنی های فروش اسلحه و کنترل اینترنتی، " آزادی بشر جهانی" را جایگزین آن سازد. تنها و تنها آگاهی زحمتکشان است که می تواند در پس یک مبارزه قهرآمیز به این امپراتوری خون آشام سلطه گر قهار که آفریننده "خدای قهار" است، پایان دهد.

اگر چه در انواع مختلف پادوهای سرمایه داری در مکان های مختلف به فکر درست کردن "سرگرمی و خندانند" نادانها هستند! اما جدی بودن در باره آنچه که در اطراف ما می گذرد، فکر کردن به ریشه و چگونگی آن چه که در پیرامون مان می گذرد، و آگاهی از برپائی ریشه ظلم و ستم نابرابری طبقاتی با مطالعه متون علمی، اولین قدم در راه رهایی از سلطه استثمار و نابرابری طبقاتی ست. بی خیالی و لابلالی گری در اجرای مسئولیتی که به عنوان انسان کار داریم بزرگترین ضربه به زندگی و آینده خود و فرزندان فرزندان تان است. این طبقه دزد و غارتگر است که باید از لشکر انسانهای کار وحشت کند و نه عکس آن!

لینک فیلم دستگیری هنرپیشگان تئاتر خیابانی در زمان مراسم جشن عروسی "شاهزاده" در لندن!

[http://london.indymedia.org/system/video/۲۰۱۱/۰۴/۲۹/۸۹۱۹/guillotine\\_arrest.flv.mp۴](http://london.indymedia.org/system/video/۲۰۱۱/۰۴/۲۹/۸۹۱۹/guillotine_arrest.flv.mp۴)

در لینک زیر تظاهر کننده که پلاکارد در دست دارد، می گوید:

دولت کمک به بیماران مبتلا به ایدز و سایر بیماری ها برای خرید داروهایشان را کم کرده حالا ما اینجا فقط در حال گفتن این اخبار هستیم چرا این حق را باید از ما سلب کنند؟ و پولیس می خواهد ما را متفرق کند؟ به ما میگویند ما " صلح را بر هم زده ایم!"

<http://london.indymedia.org/system/video/۲۰۱۱/۰۵/۰۱/۸۹۳۸/queerzombie.flv.mp۴>

لینک خبر روزنامه گاردین

<http://www.guardian.co.uk/technology/۲۰۱۱/apr/۲۸/egypt-spying-software-gamma-finfisher?INTCMP=SRCH>